بررسی دلیل چهارم (ادله رؤیت) مشهور در در اعتبار رؤیت قبل از زوال

«اما عن الرابع»؛ مشهور گفت که ظهور در این مطلب دارد. قبل از فرمایش سید، روی حرف کسی که برای مشهور استدلال کرده، سؤالی را مطرح کنم. سؤال طلبگی است. در صفحه دهم برای دفاع از مشهور چه استدلالی کرده‌اند؟ گفته‌اند روایات می‌فرماید «صم للرؤیه و افطر للرؤیه»، بعد در «وجه الاستدلال» می‌فرمایند:

> **وجه الاستدلال أنّ المراد من الرؤية في تلك الأخبار هي الرؤية عند الغروب؛ لأنّ الرؤية نهارا لا يكاد يفهم من إطلاق الرؤية فضلا عن الرؤية قبل الزوال خاصّة**[1]

«لأنّ الرؤية نهارا لا يكاد يفهم من إطلاق الرؤية»؛ وقتی می‌گویند ببینیم یعنی تنها شب ببینیم؟! شما می‌گویید در اصول یک لفظ مطلق داریم؛ مطلق چیست؟ یک لفظ مفرد است. مثلاً در «اکرم العالم» می‌گفتید «العالم» مطلق است. در اینجا هم می‌گویند «الرویة» مطلق است. اما آیا «الرویة» مطلق است؟! کدام بچه‌ای این را قبول می‌کند که «الرویة» به‌عنوان یک لفظ مطلقی است که شامل رؤیت در نهار نمی‌شود؟! «لأنّ الرؤية نهارا لا يكاد يفهم من إطلاق الرؤية»؛ چه کسی حاضر است که بگوید «ببینیم» یعنی وقتی شب ببینیم؟!

می‌خواهم عرض کنم وقتی در اصول، مطلق و مقید و اطلاق می‌گویی‌م، محط بحث مفردات است. اطلاق در لفظ مفرد است. مثل «العالم». در اینجا که «الرویة» می‌گویند، «رویة» لغوی و مفرد نیست. مضافٌ الیه آن مقصود گوینده است. مقصودش چیست؟ «رویة الهلال». خُب چرا اطلاق را می‌گویید؟! الآن یک اطلاقی غیر از اطلاق مصطلح در علم اصول به کار می‌آورید. یک چیز دیگری می‌گویید. کلمه اطلاق را می‌آوردی اما از بحث اصول فاصله می‌گیری‌د. «لأنّ الرؤية نهارا لا يكاد يفهم من إطلاق الرؤية»؛ چرا؟ خُب رؤیت، یعنی دیدن. هم در روز می‌بینیم و هم در شب. پس باید بگویید: «لایکاد یفهم من اطلاق رویة الهلال». پس ما اطلاق رؤیت هلال نداریم. رؤیت هلال داریم. وقتی مرکب پیش آمد، دیگر صحبت از وضع و اطلاق در اصول نیست. باید یک ضوابط دیگری اعمال کنیم؛ اطلاقی غیر از اطلاق در مفرد است که شما می‌گفتید برای آن وضع شده است. الآن مرحوم سید سر وضع می‌روند. این یک نکته. اساساً اطلاقی که در استدلال آمده، اطلاق اصولی مصطلح نیست. بلکه اطلاق ناشی از ترکیب است؛ «رویة الهلال».

خُب سؤال این است: این اطلاق چه اطلاقی است؟ وقتی شما برای لفظ، مضاف و مضاف الیه درست می‌کنید و می‌گویید «رویة الهلال»، اطلاقش که زور ار نمی‌گیرد، خُب این چه اطلاقی است؟ باید پی جویی کنیم. باید ابتداءً تحلیل کنیم تا ببینیم مقصود شما از این اطلاق چیست؟ به نظر شما این چه اطلاقی است؟ بعد از شیخ و صاحب کفایه و نائینی در اطلاعاتی که از اصول فعلی دارید، اسم این اطلاق را چه می‌گذارید؟! «اطلاق الرویة» یعنی «اطلاق رویة الهلال». اسم آن چه اطلاقی است؟ شما بفرمایید.

شاگرد: اطلاق مقامی است.

استاد: اطلاق مقامی که در مفرد هم می‌آید. مشکلی نیست.

شاگرد۲: منظور از مفرد و مرکب چیست؟

استاد: ایشان می‌گویند «اطلاق الرویة، لایشمل الرویة نهارا»، مگر وقتی در لغت، «دیدن» می‌گویند حتماً باید شب ببینند؟! «دیدن» برای روز هم هست. وقتی «هلال» می‌گویند، مگر «هلال» برای شب است؟! در روز هم هلال است. در «هلال» که هلال شب ای روز نخوابیده. نه در هلال، حتماً شب هست و نه در رؤیت، عدم نهار است. چطور شد وقتی «رویة الهلال» می‌گویید یک دفعه می‌گویید «اطلاق الرویة لایشمل الرویة نهارا»؟! این از کجا آمد؟

شاگرد: ترکیب رؤیت با هلال، انصراف دارد.

استاد: خُب ببینید الان ایشان یک اصطلاحی دارند، اما در زمان مرحوم سید این کلمه «انصراف» نبوده. برای اصول بعد است. خُب انصراف در مطلق مفرد بود ای در مرکب بود؟ وقتی می‌گفتید «طلبه» منصرف به این است، شما داشتید از انصراف مطلق مفرد به حصّه ای از افراد بحث می‌کردید ای انصراف مطلقِ ترکیب یک جمله؟ ببینید رؤیت، انصراف به رؤیت عند الغروب انصراف دارد؟ ای «الهلال» به هلال عند غروب انصراف دارد؟

شاگرد: ترکیب «رویة الهلال».

استاد: این انصرافی که در اصول می‌گفتید برای کدام یک از اینها بود؟ انصراف یک لفظ موضوع له از افراد مطلق تحت خودش به حصه ای از افرادش بود. «رویة» به بخشی از افرادش انصراف دارد؟ ندارد. «هلال» به بعضی از افرادش انصراف دارد؟ نه. بعد می‌گوید «رویة الهلال» انصراف دارد، خُب این انصراف از کجا آمد؟! و حال اینکه بحث اصولی انصراف، برای انصرافِ موضوع له مطلق به بعض افرادش بود. قبلاً اینها را جمع‌آوری کرده‌ام و شاید خدمت شما عرض هم کرده باشم. اصلاً مسأله اطلاق، محطش یک امر مضیقی است که بعداً گسترش پیدا کرده. کما اینکه در منطق هم همین بود. در جوهر النضید مفصل مباحثه کردیم. مثلاً دلالت مطابقی، التزامی داشتیم. وقتی در منطق دلالت مطابقی می‌گفتیم تعریفش چه بود؟ دلالت لفظ بر تمام معنای موضوع له. بعد می‌گفتید دلالت التزامی یعنی بر .... به اصول آمدید و گفتید مفهوم مدلول التزامی است؛ لزوم بیّن بالمعنی الاخص دارد. درحالی‌که خیلی وقتها مفهوم که از جمله استفاده می‌شود! خود مجاز هم همینطور بود؛ مجاز در اسناد و ... داشت. یعنی انواعی از دلالت مطابقی، تضمنی و التزامی بود که در خاستگاه اصلیش که مفرد بود منحصر نمی‌شد. بحثهای مفصلی به دنبال خودش داشت.

---

[1] رؤیت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۸

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 11:14:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 11:16:59 توسط ... .